

آسیب شناسی نظام تامین اجتماعی جمهوری اسلامی ایران از منظر اصول حقوقی حاکم بر آن
محمد رضا نجف آبادی پور^۱ - ابوالفضل جعفرقلی خانی^۲ - طیبه بلوردی^۳
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۳۰

چکیده:

آسیب شناسی نظام جامع تامین اجتماعی یک ضرورت به حساب می آید و طراحی هر نظام جامع، مستلزم احراز اصول اساسی قابل قبول و کارآمد است. این اصول به منزله راهبردهای اساسی است. نظام تامین اجتماعی دارای مجموعه‌ای از اصول حقوقی مانند اصل فراگیری، برابری و اصل تضمین دولت است. سوال اصلی پژوهش حاضر این است که نظام تامین اجتماعی جمهوری اسلامی ایران از منظر اصول حقوقی حاکم بر آن، چه آسیب‌هایی دارد؟ فرضیه اصلی پژوهش نیز بر این اساس می‌باشد که آسیب شناسی نظام تامین اجتماعی می‌تواند یک چهارچوب کلی و مختصات اصلی تامین اجتماعی پویا و جامع را نشان دهد و درآمدي بر شکل‌گیری یک نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی در جامعه باشد. هدف پژوهش حاضر، ایجاد تحول در نظام تامین اجتماعی از طریق آسیب شناسی آن می‌باشد.

واژگان کلیدی: برابری، فراگیری، تضمین، تامین اجتماعی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

^۱ - دانشجوی دکتری حقوق عمومی، واحد سیرجان، دانشگاه آزاد اسلامی، سیرجان، ایران
Mohammad.najafa@gmail.com

^۲ - گروه حقوق، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران: نویسنده مسئول
Jafargholikhani@yahoo.com

^۳ - گروه معارف، واحد سیرجان، دانشگاه آزاد اسلامی، سیرجان، ایران
balvardit@gmail.com

مقدمه

تعیین جایگاه نظام تامین اجتماعی و تعریف جامع و مانعی از آن به لحاظ تحولات هر روزه کار ساده‌ای به نظر نمی‌رسد. اما به عقیده اکثر نظریه پردازان در مورد وظیفه دولت در تامین رفاه و آسایش مردم جای هیچ تردیدی نیست. مبنای این نظریه این است که تامین رفاه مردم از اعمال حاکمیت است و انتظارات مردم نیز در این زمینه قانونمند شده است. دولت و حاکمیت باید امکانات و زیر ساخت‌های لازم را برای نظام تامین اجتماعی فراهم کند و این بعنوان نخستین تکلیف است و از سوی دیگر مردم نیز حق مطالبه قانونی مزایای نظام تامین اجتماعی را دارند. پس نظام تامین اجتماعی در یک کشور جزء اعمال حاکمیتی دولت محسوب می‌شود و آثار عمده این اعمال حاکمیت که در بستر حقوق عمومی شکل می‌گیرد بدین قرار است: ۱- نظام تامین اجتماعی بخشی از اعمال حاکمیت دولت که در حدود وظایف قانونی جزء خدمات عمومی و از سوی دولت قابل تعطیل و تعویق نمی‌باشد. ۲- نظام تامین اجتماعی در یک کشور جزء نهادهای حاکمیتی و دارای اختیارات نشأت گرفته از قدرت عمومی و با مشارکت قانونی مردم ایجاد می‌شود. ۳- قوانین و مقررات آن آمره و جهت دستیابی به منافع عمومی همه کسانی است که مشمول حاکمیت سرزمین یا دولت هستند برقرار می‌گردد. در این مسیر اصول حقوقی هستند که می‌توانند بعنوان راهبردهای اصلی و اساسی بر نظام تامین اجتماعی و رعایت آن بعنوان یک معیار و میزان تلقی شوند.

باتوجه به اینکه نظام تامین اجتماعی در بستر حقوق عمومی شکل یافته و جزء اعمال حاکمیتی محسوب می‌شود لذا اصول حاکم بر آن نیز باید غالباً صبغه حقوق عمومی داشته باشد و بیشتر در جهت اهداف حقوق عمومی که خدمت عمومی (منفعت عمومی) و نظم عمومی است گام بردارد.

اصول حاکم که در ادامه خواهد آمد بر گستره وسیع زندگی همه افراد از لحظه تولد تا هنگام مرگ تحت پوشش قرار می‌دهد و امروزه در راستای هدف وسیع حقوق عمومی تقریباً تمام اقشار یک ملت را به نحوی از انحاء تحت پوشش قرار خواهد داد. پس پایه و اساس اصول حاکم بر نظام تامین اجتماعی از جمله قرار گرفتن نظام حقوق تامین اجتماعی در دسته بندی حقوق عمومی و جای گرفتن در اعمال حاکمیتی دولت و مفهوم عام تامین اجتماعی به معنای تامین حداقل‌ها در جهت دستیابی به اهداف حقوق عمومی برپایه حقوق عمومی از ویژگی‌های اصلی نظام تامین اجتماعی است. اینکه آیا افراد می‌توانند در چهارچوب قانون اساسی و قوانین عادی باتوجه به اصول حاکم بر نظام تامین اجتماعی به عدم رعایت حقوق

مکتسبه خود استناد کنند؟ سه اصل مهمی که در این زمینه راه اصلی را در نظام تامین اجتماعی معین و مشخص می‌کنند را میتوان اصل برابری و منع تبعیض، اصل فراگیری و جامعیت و اصل تضمین دولت نام برد. لذا چالش‌ها و آسیب‌های نظام تامین اجتماعی را نیز با توجه به همین اصول حقوقی و استناد به میزان رعایت آنها در نظام تامین اجتماعی مورد بررسی قرار داد.

روش تحقیق

روش پژوهش توصیفی- تحلیلی می‌باشد. جهت انجام پژوهش ابتدا منابع کتابخانه‌ای بررسی شده و مطالب مرتبط با موضوع تحقیق از کتب و مقالات مربوطه گردآوری شده است. همچنین به پایگاه‌های معتبر اینترنتی نیز مراجعه شده و پایان نامه‌ها و مقالات مجلات الکترونیکی مورد بررسی قرار گرفته است. در مرحله بعد پس از گردآوری اطلاعات به تجزیه و تحلیل مطالب گردآوری شده پرداخته شده و در نگارش مقاله مورد استفاده قرار گرفته است.

پیشینه تحقیق

با بررسی‌های انجام شده مشخص گردید تاکنون پژوهشی با عنوان تحقیق حاضر انجام نشده است. با این حال، در زمینه پژوهش‌های انجام شده مرتبط با موضوع تحقیق، می‌توان به طور مختصر موارد ذیل را نام برد.

بدیسار و همکاران، ۱۳۹۰، در مقاله‌ای با عنوان "ارزیابی خدمات درمانی در حقوق تامین اجتماعی ایران"، بیان داشته اند:

بر اساس اصل (۲۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تامین اجتماعی از وظایف دولت بوده و همه اقشار جامعه برای دریافت خدمات تامین اجتماعی از حقوق مساوی برخوردارند. برآورده شدن این نیاز در گذر تاریخ دچار دگرگونی‌های زیادی شده و هر تمدنی نگاه متفاوتی به آن داشته است. در حال حاضر ارائه خدمات درمانی یکی از تعهدات اساسی نظام تامین اجتماعی کشورهاست. در این مقاله تلاش شده است تا به تبیین نظام خدمات درمانی کشور در هر یک از سازمان‌های بیمه گر و چگونگی پوشش هر یک از اقشار و گروه‌ها و چگونگی تامین منابع مالی برای ارائه خدمات درمانی پرداخته شود. همچنین اصول حاکم بر نظام خدمات درمانی و انطباق آن با خدمات درمانی کشور و اینکه آیا اصول حاکم در نظام خدمات درمانی رعایت شده است یا خیر بررسی شده است. لازم به ذکر است منظور از تامین اجتماعی در این مقاله صندوق تامین اجتماعی نیست، بلکه تامین اجتماعی به شکل کلان مدنظر است؛ زیرا امروزه در لایه اول نظام تامین اجتماعی، جنبه حمایتی و در لایه دوم بیمه‌های پایه و در

لایه سوم جنبه تکمیلی مورد بررسی قرار گرفته است.

بادینی و عصمتی ۱۳۹۱، در مقاله‌ای با عنوان "زمینه‌های تحقق اصول حاکم بر حقوق تامین اجتماعی جمهوری اسلامی ایران" بیان داشته‌اند:

با افزایش سریع جمعیت، پیچیدگی مسائل و افزایش وسعت نیاز به تامین اجتماعی، تکوین نظام جامع تامین اجتماعی یک ضرورت به حساب می‌آید و طراحی هر نظام جامع، مستلزم احراز اصول اساسی، قابل قبول و کارآمد و مورد قبول همگان است که این اصول به منزله راهبردهای اساسی، وظیفه حاکم بر تامین اجتماعی تلقی می‌شود. نظام تامین اجتماعی بر پایه اصول عام و خاص استوار است که در مواردی نظام حقوقی ایران نتوانسته است به نحو شایسته تامین اجتماعی ایران را با اصول مسلم حاکم بر آن وفق دهد و در این زمینه کاستی‌هایی وجود دارد. هدف اصلی این مقاله بررسی انتقادی زمینه‌های تحقق اصول حاکم بر حقوق تامین اجتماعی جمهوری اسلامی ایران است. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که نظام تامین اجتماعی جمهوری اسلامی ایران با چالش‌های بی شماری روبروست که منجر به افزایش بیکاری، فقر و کاهش بهره‌وری و در نهایت عدم تحقق اصول حاکم بر آن شده است.

امیری و همکاران، ۱۳۹۵، در مقاله‌ای با عنوان "بررسی نظری - تطبیقی نظام‌های تامین اجتماعی: مسیریابی توسعه نظام سه لایه تامین اجتماعی ایران"، نتیجه گرفته‌اند:

سیاست‌های تامین اجتماعی، به عنوان محور کلیدی سیاست‌های اجتماعی، همواره اهمیت ویژه‌ای نزد دولتها داشته است. طراحی نظام اثربخش تامین اجتماعی متناسب با بستر اقتصادی کشور و مبتنی بر اصول حکمرانی خوب تامین اجتماعی، اثربخشی این نظام را در افق چشم انداز توسعه ملی تضمین می‌کند. در این راستا، بررسی موشکافانه جایگاه فعلی نظام تامین اجتماعی ایران و سپس شناسایی مسیر و مقصد آینده آن جهت نیل به اهداف مربوطه، ضروری است. در این پژوهش، ابتدا با مرور ادبیات نظری و تحلیل محتوای اسناد ملی و بین‌المللی مرتبط با تامین اجتماعی، به مسیریابی نظری توسعه نظام تامین اجتماعی پرداخته شده است. سپس با مقایسه تطبیقی، جایگاه نظام فعلی تامین اجتماعی کشور را در این مسیر نظری شناسایی کرده و الزامات حرکت و گذار در این مسیر را مورد بحث قرار گرفته است. بر این اساس، نظام تامین اجتماعی ایران نیازمند طراحی و اجرای دو دسته سیاست‌های برنامه‌ای سازگار با مختصات اقتصادی و سیاست‌های حکمرانی خوب نظام تامین اجتماعی است تا موفقیت آن در رسیدن به اهداف مبارزه با فقر و ارتقای عدالت اجتماعی، در گذار به نظام «تامین اجتماعی پویا» حاصل شود.

اصول حاکم بر نظام تامین اجتماعی

تعیین چهارچوب کلی و مختصات اصلی نظام تامین اجتماعی و ارزیابی آن با توجه به قوانین موجود و با در نظر گرفتن استانداردهای بین‌المللی و شناخته شده لازم و ضروری است. اصول حاکم بر یک نظام تامین اجتماعی جامع، پویا و فراگیر را در اصول حقوقی حاکم بر آن میتوان مطرح و مورد بررسی قرار داد. لذا این اصول می‌توانند راهنمای اصلی در هر پژوهش در زمینه نظام تامین اجتماعی باشد.

۱- حقوق عمومی و نظام تامین اجتماعی

۱-۱- مفهوم اصل در حقوق

اصل در لغت به معنای ریشه، بیخ، اساس و مبدع است و جمع مکسر آن اصول است. اصل چیزی است که مبنای چیز دیگری است. کلمه اصل در ادبیات و شعر ایران در فقه و اصول با توجه به زبان و استفاده کاربردی برای آن در معنای مختلف بکار رفته است. اما تعریفی روشن و صریح از اصول کلی حقوقی در قانون و رویه قضائی نیامده است. در کشورهایی نیز که اقدام به تدوین اصول کلی نموده‌اند صرفاً به ذکر مصادیق اصول بسنده شده است. در حقوق ایران نیز تعریف خاصی حتی در سطح دکترین برای اصول کلی حقوقی ارائه نشده است و آنچه ارایه گردیده تعریفی از اصول کلی حقوقی است. (صادقی، ۱۳۸۴: ۴۳) اصول عمومی حقوقی، قواعدی هستند که در متن قوانین به آنها اشاره نشده است ولی جزء قواعد مسلم حقوق بشمار می‌روند و قانونگذار معمولاً خود را مقید به اصول کلی می‌داند و کمتر حاضر است از حدود آن خارج شود. لذا پرداختن به اصول حاکم بر هر یک از رشته‌های حقوقی به دلیل داشتن چهارچوب و اهداف آن اهمیت بسیار دارد. نگاهی به مجموعه‌های قوانین و مقررات، آشفتگی و هرج و مرجی را نشان می‌دهد که حتی حقوق دانان را با سردرگمی مواجه می‌سازد. یافتن نظر قانونگذار با مقتضای عدالت یا نظم حقوقی از میان این قوانین و مقررات آشفته در نگاه اول آرمانی دست نیافتنی و کوششی بیهوده می‌نماید. (عراقی، ۱۳۸۶: ۹۲) اما یافتن احکام و قواعدی در پشت عبارات و الفاظ قانونی پنهان شده و نظم دادن به آنها لازمه یافتن اصولی است که بر نظام تامین اجتماعی بعنوان یک رشته حقوقی حاکم است. از لحاظ عملی نیز این اصول می‌تواند بعنوان راهنمایی در تفسیر قانون و دستیابی به نظر قانونگذار تصویر روشنی را ارائه دهد. اصطلاح دیگری که در بحث اصول حاکم می‌تواند مورد اهمیت واقع شود (روح قانون) است هر چند اصطلاح روح قانون به ظاهر در قانون غایب است اما حقوقدانان مقصود از روح قانون (اصول راهنمای قانونگذار در وضع قانون است خواه اصلی راهنما از احکام

فرعی و پراکنده قوانین استخراج شود و یا اینکه نظمی خارجی بر آن دلالت کند). (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۳۹۹) آنچه در قانون اساسی در اصل ۱۶۶ صریحا آمده است و به اصول حاکم اشاره دارد (احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده باشد) با این لحاظ یافتن اصول حاکم بر هر یک از رشته‌های حقوقی در جای خود نقش مهمی در توسعه و رشد و پیشرفت آن دارد درک صحیح از مفهوم اصل (اصول) و جایگاه آن در قوانین داشتن اینکه یک رشته حقوقی در تقسیم بندی‌های حقوقی در کدام دسته قرار می‌گیرد. به تعریف دقیق‌تر در رشته حقوقی و مشخصات اصول حاکم کمکی موثری می‌تواند داشته باشد.

۱-۲- تقسیم بندی حقوق و حقوق تامین اجتماعی

پس از بیان مفهوم اصل باید بدانیم که تامین اجتماعی یا نظام تامین اجتماعی در تقسیم بندی‌های حقوقی جزء کدام تقسیم بندی‌ها قرار می‌گیرد و با توجه به ویژگی‌هایی که برای هر دسته قرار دارد به بیان اصول و ویژگی‌های حاکم بر نظام تامین اجتماعی پی ببریم. در علم حقوق دو تقسیم بندی کلی و اساسی وجود دارد که غالب نویسندگان و اندیشمندان حقوقی مبنای آن را پذیرفته‌اند: ۱- حقوق عمومی و حقوق خصوصی ۲- حقوق ملی یا داخلی و حقوق بین‌المللی یا خارجی. (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۸۱)

در همه جوامع شمار فراوانی روابط گوناگون اجتماعی یافت می‌شود که رابطه بین مالکان و مستاجران، کارفرمایان و مزد بگیران، بازرگانان و مشتریان، افسران و سربازان ماموران وصول مالیات و مودیان مالیاتی و نظایر آنها از زمره اینگونه روابط اجتماعی‌اند.

حقوق به مفهوم مجموعه‌ای از این قواعد همه این روابط را انتظام می‌بخشد این خود خصلت هر جامعه متمدنی است که حتی المقدور می‌خواهد از تملک به زور اجتناب کند. (قاضی، ۱۳۷۶: ۱۱)

حقوق عمومی: گونه‌ای از روابط اجتماعی است که میان اشخاص صاحب قدرت (فرمانروایان) و اشخاصی که از قدرت اطاعت می‌کنند (فرمانبران) بر قرار می‌شود پس بر کلیه روابط سیاسی، اداری یا مالی موجود میان دولت یا (دستگاه‌های عمومی) و شهروندان قابل اعمال است. به طور ساده حقوق عمومی قواعدی است که بر روابط دولت و ماموران با مردم حکومت می‌کند و سازمان‌های دولتی را منظم می‌سازد. (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۸۱)

امروزه و با توجه به ساختار حکومتی غالب کشورها و نوع مشارکت گسترده‌ای که شهروندان در اجرای قدرت دارند علی‌رغم این نوع مشارکت حضور یک قدرت سیاسی و اداری قوی در

بهبود و کیفیت این روابط لازم و ضروری است. به بیان بهتر قدرت سیاسی و اداری که رسالت آن حفظ منافع عام و از نیروی دولتی بهره ور است در یک طرف معادله واقع شده و در سوی دیگر اشخاص خصوصی وجود دارند که از منافع شخصی خود دفاع می کنند. (قاضی، ۱۳۸۶: ۱۵) باتوجه به آنکه در این رابطه همیشه حضور بخشی از حاکمیت ضرورتا باید وجود داشته باشد تا مفهوم حقوق عمومی در آن تجلی پیدا کند لذا تمام مقررات که مربوط به قوای سه گانه و طرز اعمال حاکمیت دولت و سازمان های عمومی است مربوط به قواعد حقوقی عمومی است. به گفته دوگی استاد فرانسوی حقوق عمومی؛ حقوق دولت است. (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۱۲) در نقطه مقابل حقوق عمومی که رابطه بین دولت ها و شهروندان است حقوق خصوصی قرار دارد که مجموع قواعد حاکم بر روابط افراد است. حقوق خصوصی به بررسی رابطه به اشخاص در مسائل حقوق خصوصی می پردازد. یعنی تمام اصولی که بر روابط تجاری، خانوادگی و تعهدات اشخاص در برابر هم حکومت می کند در زمره قواعد حقوق خصوصی است. (پیشین: ۱۲) هرچند تقسیم بندی حقوق عمومی و خصوصی تقسیم بندی خالی از اشکال نیست و این تقسیم بندی در حوزه رومی - ژرمنی و حقوق نوشته تاثیرگذار است ولی این تقسیم بندی مطرح و می تواند ملاک و معیار قرار گیرد. در بحث حقوق نظام تامین اجتماعی باتوجه به اینکه در حوزه اجتماع و به نوعی تامین امنیت اجتماعی، اقتصادی مداخله دارد بعضی اندیشمندان قسم سومی بعنوان حقوق اجتماعی را نیز مطرح کرده اند و بهترین جایگاه حقوق کار و تامین اجتماعی و رشته های نزدیک به آن در همان حقوق اجتماعی است و بیان می کند حقوق خودش امری است که برابندی از جامعه است و تحت تاثیر شرایط اجتماعی است و بنابراین اگر بخشی را حقوق اجتماعی نامگذاری کنیم عملا خلط بحث می شود ولی در عمل فرانسوی ها آن را مستقل کردند و حقوق اجتماعی نام نهادند و با اوصافی که ذکر می کنند تامین اجتماعی در آن جای دارد. (عراقی، ۱۳۸۲: ۱۸)

برخی دیگر، حقوق تامین اجتماعی را به عنوان شاخه ای مهم از رشته حقوق اجتماعی دارای دو مفهوم می دانند. ۱- نظام حقوقی مجموعه نهادها و قواعد حقوقی مربوط به تامین اجتماعی را حقوق تامین اجتماعی می گویند و به عنوان یک رشته علمی و معرفتی. ۲- حقوق تامین اجتماعی رشته ای از رشته های حقوقی است که به مطالعه و بررسی شرح، تفسیر و نقد و تحلیل نهادها و قواعد حقوقی مربوط به تامین اجتماعی می پردازد و همانند هر رشته علمی دیگر روش ها و منابع خاص خود را دارد. (قاسمی، ۱۳۸۶: ۱۰۶) و ۳- قرار دادن حقوق تامین اجتماعی در حقوق اجتماعی تقریباً پذیرفته نشده است و آنچنان که در کشور خودمان

هم زمینه برای پذیرش آن وجود ندارد و می‌توان گفت تامین اجتماعی به حوزه حقوق عمومی نزدیکتر است.

با توجه به تقسیم بندی گفته شده در مورد حقوق عمومی و خصوصی و وجه افتراق اساسی این دو شعبه که حقوق عمومی را مجموعه‌ای از نظامات آمره قانونی می‌دانند که اصولاً رابطه دولت را با اشخاص معین می‌کند و حقوق خصوصی ابزار تنظیم روابط اشخاص با یکدیگر است و طبعاً حاکمیت اراده در ایجاد این روابط نقش اساسی دارد (نصیری: ۱۳۸۲، ۲۲) و آنچه در مبانی، تعاریف نظام تامین اجتماعی اشاره شد نظام تامین اجتماعی مجموعه نظاماتی است که روابط دولت را با اشخاص در زمینه خدمات رفاهی تامینی و بیمه‌ای مشخص می‌کند به همین جهت جزء حقوق عمومی است و از طرف دیگر آمره بودن قوانین و مقررات که مشخصه بارز حقوق عمومی است که در نظام تامین اجتماعی به سادگی قابل مشاهده می‌باشد.

۲- اصل تعمیم یا فراگیر بودن تامین اجتماعی

اصل ۲۹ قانون اساسی برخورداری از تامین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کار افتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیوه و غیره آن را حقی همگانی دانسته، دولت را مکلف ساخته تا از محل درآمدهای عمومی و یا درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یکایک افراد کشور تامین کند.

همچنین بند ۱۲ اصل سوم قانون اساسی، یکی از وظایف دولت را «پیریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اصولی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و بر طرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه» قرار داده است.

ماده ۲۲ اعلامیه جهانی حقوق مقرر داشته: «هرکس به عنوان عضوی از جامعه حق برخورداری از تامین اجتماعی را دارد و می‌تواند با استفاده از تلاش‌های ملی و همکاری‌های بین‌المللی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را که لازمه حفظ کرامت و رشد آزادی شخصیت او است با رعایت تشکیلات و منابع کشور خود به دست آورد».

بر اساس بند یک اعلامیه مذکور: «هرکس حق دارد از سطح زندگی مناسبی برای تامین بهداشت و رفاه خود و خانواده اش بخصوص از حیث خوراک، پوشاک، مسکن، مراقبت‌های بهداشتی و دیگر خدمات اجتماعی لازم برخوردار باشد. همچنین در مواقع بیکاری، بیماری، نقص اعضا، بیوگی، پیری یا در تمام موارد دیگری که به علل خارج از اراده انسان، از وسایل امر

معاش محروم می‌گردد، از شرایط آبرومندانه زندگی برخوردار شود». همچنین به موجب ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کشور-های طرف این میثاق، حق برخورداری از تامین اجتماعی، از جهت بیمه اجتماعی را برای کلیه افراد به رسمیت می‌شناسند.

بدین ترتیب، اصل تعمیم و فراگیر بودن تامین اجتماعی، اصل بنیادین و مهمی است که هم در مقام وضع قانون، راهنمای قانونگذار به حساب می‌آید و هم در مقام تفسیر و اجرای قانون، حقوقدانان و مجریان را به کار می‌آید. این اصل در قوانین عادی کشور ما نیز مورد تصریح قرار گرفته است. بند «ج» ماده ۹ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی، سیاست فراگیر بودن خدمات تامین اجتماعی را از جمله اصول و سیاست‌های این نظام دانسته است.

اصل فراگیر بودن تامین اجتماعی به قلمرو پوشش حمایت‌ها و خدمات تامین اجتماعی نظر دارد و در صورت تعارض با اصل قانونی بودن که از جمله اصول حقوق عمومی است، مقدم بر آن خواهد بود. توضیح اینکه برخورداری از تامین اجتماعی، همانگونه که پیش از این گفته شد، از حقوق شهروندان و تامین آن از تکالیف دولتهاست. این تکلیف در زمره تکالیف حاکمیتی دولتها محسوب می‌شود و اعمال و اقدامات دولتها در این زمینه در زمره اعمال حاکمیت به حساب می‌آید. بدین ترتیب، حقوق تامین اجتماعی را می‌توان از شاخه‌های حقوق عمومی محسوب داشت. یکی از اصول بنیادین حقوق عمومی، اصل قانونی بودن است. به موجب این اصل، اقدامات دولت و سازمان‌ها و مقامات دولتی محدود به قانون بوده، تردید در صلاحیت آنها، مساوی با عدم صلاحیت است. (عراقی وهمکاران، ۱۳۸۶: ۹۴-۹۵)

با این حال، اصل قانونی بودن را نباید تا آنجا گسترش داد که هدف اصلی از وضع قانون نادیده گرفته شود. به همین دلیل در حقوق کار- با آنکه برخی آن را در زمره رشته‌های حقوق عمومی دانسته‌اند- در تراجم اصل حمایتی و حداقلی بودن قانون کار با اصل قانونی بودن، اصل نخست مقدم داشته می‌شود. در حقوق تامین اجتماعی نیز چنین وضعی حاکم است، بدین معنا که در تعارض اصل قانونی بودن و اصل فراگیر بودن، اصل تعمیم و فراگیر بودن تقدم دارد. اصل فراگیر بودن در مورد قانون تامین اجتماعی، وضع ویژه‌ای دارد. نظام بیمه‌های اجتماعی پیش بینی شده در قانون تامین اجتماعی، نظام اصلی و پایه‌ای بیمه‌های اجتماعی در کشور محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، تمام کسانی که در مقابل مزد یا حقوق کار می‌کنند مشمول قانون تامین اجتماعی‌اند، مگر اینکه به طریق دیگر از حمایت‌ها و کمک‌های مورد نظر قانونگذار برخوردار گردند. بنابراین مستخدمین وزارتخانه‌ها و مشمولین قانون استخدام کشوری که از طریق

صندوق بازنشستگی کشوری، تحت پوشش قرار می‌گیرند، مشمول قانون تامین اجتماعی نخواهند بود. همچنین افرادی که به نحوی از بعضی حمایت‌های مندرج در ماده ۳ قانون تامین اجتماعی برخوردارند در سایر موارد، مشمول قانون تامین اجتماعی تلقی می‌شوند. (ماده ۴ قانون تامین اجتماعی و اصلاحات بعدی آن)

بدین ترتیب در صورتی که درباره شمول قانون تامین اجتماعی یا بعضی حمایت‌های مندرج در آن بر بعضی افراد یا گروه‌ها تردید شود، بر اساس اصل فراگیر بودن تامین اجتماعی باید به شمول قانون بر افراد یا گروه‌های یاد شده نظر دارد.

با توجه به اصول و مواد گفته شده باید معتقد بود قوانینی که محدود کننده پوشش و حمایت‌های تامین اجتماعی هستند خلاف اصل بوده باید تفسیر مضیق شوند. به عنوان مثال می‌توان به ماده واحده قانون معافیت کارگاه‌ها و مشاغل دارای پنج نفر کارگر و کم تر از شمول قانون کار تا پایان برنامه سوم توسعه (مصوب ۱۳۷۸/۱۲/۸) اشاره کرد. به موجب تبصره ۱ ماده واحده مذکور، کارگران و کارفرمایان کارگاه‌های مشمول قانون مخیرند در خصوص پرداخت حق بیمه کارگر با توافق یکدیگر اقدام کنند. بر اساس یک برداشت که برخلاف اصل فراگیر بودن تامین اجتماعی است کارگر و کارفرما می‌توانند توافق کنند که کارفرما هیچ تعهدی نسبت به بیمه کردن کارگر نداشته باشد و کارگر نیز در این صورت تکلیفی به بیمه کردن خود نزد سازمان تامین اجتماعی ندارد؛ در حالی که برداشت درست و مطابق اصل از تبصره مذکور، این است که توافق و تراضی کارگر و کارفرما صرفاً می‌تواند ناظر به این باشد که حق بیمه به عهده کدام یک از طرفیت است و با استفاده از حکم تبصره مذکور نمی‌توان دایره شمول بیمه اجباری سازمان تامین اجتماعی به کارگران موضوع قانون را تضییق کرد. توضیح اینکه به موجب قانون تامین اجتماعی، حق بیمه‌ای که باید به سازمان تامین اجتماعی پرداخت شود ۲۷ درصد مزد مشمول کسر حق بیمه است که $\frac{7}{27}$ آن به عهده بیمه شده و $\frac{20}{27}$ آن به عهده کارفرما است، لکن بر اساس قانون، کارفرما «مسئول» پرداخت کل حق بیمه (حتی سهم کارگر) است. (مواد ۲۸ و ۳۶ قانون تامین اجتماعی) بدین ترتیب، کارفرمایان مشمول قانون مورد بحث می‌توانند با کارگران خود توافق کنند که حتی تمام حق بیمه بر عهده کارگر باشد؛ ولی در هر حال کارگر باید از بیمه برخوردار باشد و مسئول پرداخت حق بیمه، کارفرما است (ماده ۳۶ قانون تامین اجتماعی)؛ اگر چه «مدیون» آن، کارگر خواهد بود. توافق کارفرما و کارگر هرچه که باشد قانون کارفرما را متعهد و ملزم کرده که حق بیمه کارگران خود

رابطه سازمان تامین اجتماعی واریز نماید و هیچگونه مسئولیتی متوجه شخص کارگر در این موارد وجود نخواهد داشت .

۳- اصل برابری^۱

این اصل به مثابه یکی از اصول بنیادین مردم سالاری معنا پیدا می کند و در مباحث حقوق به اشکال گوناگون تبلور می گردد و در مجموعه منابع بین المللی حقوق بشر تحت عنوان عدم تبعیض^۲ به کار برده شده است.

اصل برابری مبنای زندگی مشترک در جوامع کوچک و بزرگ به شمار می رود. بر اساس اندیشه اسلامی، انسان از هر قوم و قبیله ای که باشند بعنوان بنی آدم دارای تبار مشترکند. بر این اساس برابری تکوینی است که هرگونه برتری قومی، نژادی و اجتماعی افراد بر یکدیگر را بسته است و به قول پیامبر اکرم (ص) «افراد در مقابل حق همچون دندانهای شانه با یکدیگر برابرند». (هاشمی، ۱۳۹۱: ۱۰۸)

اگر به شعار اصلی اتحادیه بین المللی تامین اجتماعی (ISSA) صلح پایدار بدون عدالت اجتماعی و عدالت اجتماعی بدون «تامین اجتماعی» نمی تواند محقق شود البته به مفهوم عام آن دقت داشته باشیم. رابطه عمیقی بین این اصل و نظام تامین اجتماعی وجود خواهد داشت. به این لحاظ که برابری را باید سنگ نخستین و خمیر مایه عدالت شمرد زیرا تنها مفهومی است که با همه معیارهای پیشنهاد شده برای عدالت سازگار است و همگان درباره آن به توافق رسیده اند. (جعفر قلی خانی، ۱۳۹۴: ۴۱۴) نظام تامین اجتماعی باید به همه موقعیتها و اشخاص که موضوع آن قرار می گیرند یکسان برخورد و نظام سازی کند و تبعیض روا ندارد در اصل برابری موضوع عدالت صوری صرفا کفایت نمی کند بلکه عدالت ماهوی و کیفیت آن نیز مطرح است. اصل برابری در نظام تامین اجتماعی مقدمه دستیابی برای رسیدن به عدالت است به این صورت که زمینه اصلی و اساسی رعایت حقوق تامین اجتماعی افراد از هر لحاظ شکل یابد و این مساوات و برابری اگر برقرار نشود محال است در جامعه ای عدالت اجتماعی و برابری و آزادی شکل گیرد. (هاشمی، ۱۳۹۱: ۲۲۱) در واقع برابری به معنای ایجاد شرایط مساوی برای همگان در جهت برخورداری از اهداف نظام تامین اجتماعی و رعایت استانداردها و معیارهای موجود می باشد.

^۱ -Equality

^۲ -Non discrimination

در حوزه روابط افراد با اجتماع خود یا به تعبیر دیگر روابط افراد با دولت بعنوان نماینده و مظهر اجتماع (حقوق عمومی) از فراغ بال بیشتری برخوردار است و حتی می‌تواند ضعف خود در حوزه روابط خصوصی را نیز جبران سازد به بیانی دیگر اگر از علم حقوق توقع داریم که نابرابری‌های ناشی از کهنه بودن نظام تامین اجتماعی و اقتصادی را برطرف سازد و در حوزه قانونی از چنین نابرابری‌هایی بین زن و مرد بکاهد باید به این نکته بسیار مهم نیز واقف باشیم که در حوزه روابط فرد و دولت (جامعه علم حقوق از جولانگاه وسیعتری نسبت به حوزه روابط فرد و فردی برخوردار است). (عراقی و همکاران، ۱۳۸۶: ۹۷)

از آنجا که نظام تامین اجتماعی با توجه به مباحث پیش گفته شد در بخش حقوق عمومی و یکی از زیر شاخه‌های آن است و افراد نه از لحاظ جنسیت (زن یا مرد بودن) بلکه صرفاً به این دلیل که یک انسان است موضوع آن قرار می‌گیرند لذا از اصل برابری صحبت کردن نه تنها پر اهمیت است بلکه به منزله ایجاد فرصت در نظام تامین اجتماعی و استفاده همه افراد از شرایط مطلوب زندگی و رعایت مولفه‌های مهم آن است و کارکرد مهم این اصل در جهت کاهش نارسایی‌ها و تبعیض‌ها و تفاوت‌ها مورد تاکید قرار می‌گیرد. در اصل برابری به چند نکته مهم باید توجه کرد که در جای خود می‌تواند برای ما این بحث را روشن‌تر کند. در اجتماع قاعدتاً بدلائل مختلف اجتماعی، فرهنگی، عقیدتی و مذهبی و قومیتی ممکن است یکسری تفاوت‌هایی بین افراد جامعه وجود داشته باشد که به تبع این تفاوت‌ها نابرابری‌هایی نیز معمولاً بوجود می‌آید. حوزه نظام تامین اجتماعی نیز با توجه به اینکه در بحث اجتماع نقش بسزایی دارد از این امر مستثنی نیست. نابرابری‌ها و تفاوت‌ها در حوزه نظام تامین اجتماعی را می‌توان به سه دسته نابرابری‌های قانونی و نابرابری‌های برآمده از نظام اقتصادی و اجتماعی (عراقی، ۱۳۸۶: ۹۹) و دسته سوم ناشی از مذهب و عقاید دینی است.

الف) نابرابری‌های قانونی:

آنچه که به ظاهر از مفهوم نابرابری‌های قانونی بر می‌آید به قانونگذار و مقررات او بر می‌گردد و در حوزه قانونگذاری نیز عوامل و معیارهای متفاوت با توجه به نظام حاکم، بر یک کشور حاکم است. لذا احکام و شرایط متفاوتی در حوزه نظام تامین اجتماعی در خصوص برقراری و استمرار طرح‌های تامین اجتماعی، تساوی جنسی یا برابری زن و مرد رفتار برابر، تساوی فرصت‌ها و حمایت‌ها و مولفه‌های مهم دیگری در حوزه نظام تامین اجتماعی وجود دارد که اصل برابری می‌تواند بر آن حاکم باشد. نابرابری‌های قانونی در بیشتر مواقع منشاء قانونی داشته و این صلاحیت از آنجا نشأت گرفته است.

ب) نابرابریهای برآمده از نظام اقتصادی:

در مقابل نابرابریهای قانونی تفاوتها و نابرابریهای برآمده از نظام اقتصادی و اجتماعی قرار دارند که نمونه آنها در کشورهایی دیده می‌شود که مستمری‌ها بر اساس سابقه درآمد متوسط فرد محاسبه می‌شوند (عراقی، ۱۳۸۶: ۹۹). این نابرابری‌ها نیز ناشی از عوامل و مولفه‌هایی همچون تساوی جنسی زن و مرد، تضمین حمایت سیاسی از افراد به میزان درآمد افراد بستگی دارد. در هر حال اصل برابری و عدم تبعیض در اسناد بین‌المللی و قوانین کشورها مورد تاکید قرار گرفته است. در اسناد بین‌المللی از جمله ماده ۲۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۲۵ آن برخورداری از مزایای تامین اجتماعی را از حقوق انسانی هر کس می‌داند. کنفرانس بین‌المللی کار در سال ۱۹۷۵ اعلامیه تساوی فرصت‌ها و رفتار برابر با کارگران زن را به تصویب رسانید که بر اساس بند ۱۱ نباید تبعیض وجود داشته باشد و جدایی و تمایز رفتاری بین مردان و زنان از بین برود (مقاله نامه رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان نیز در سال ۱۹۷۹ توسط مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید در نشست هفتاد و یکم کنفرانس بین‌المللی کار به سال ۱۹۸۵ درباره فرصت‌های برابر و رفتار مساوی با زنان و مردان نیز قطعنامه‌ای تصویب شد که طی آن از کشورها خواسته شد که برای جبران این وضعیت تدابیری خاص اتخاذ شود). (عراقی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۰۱)

در نظام حقوقی ایران نیز اصل برابری و عدم تبعیض هم با توجه به شرع مقدس و هم در قوانین به طور کلی مورد اهمیت واقع شده است و در حوزه نظام تامین اجتماعی نیز به صورتی خاص در اصول و مواد متعددی از قوانین وجود دارد.

اصل بیستم قانون اساسی در این زمینه صراحت دارد «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند. اصل ۲۹ قانون اساسی نیز که بعنوان مهمترین اصل در حوزه تامین اجتماعی قرار دارد و به بیانی از مهمترین حقوق انسانی که حق برخورداری از تامین اجتماعی است برای همگان به صورت بیمه یا غیره پیش بینی شده است. بنابراین با استناد به اصل ۲۰ و ۲۹ همه افراد باید از کلیه حقوق انسانی و به طور خاص در حوزه تامین اجتماعی به صورت مساوی برخوردار باشند و منعی برای آنها وجود نداشته باشد. مطالعه اصل بیست و یکم قانون اساسی نیز برای تکمیل بحث ضرورت دارد. بر طبق این اصل، دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین کند. در برنامه‌های توسعه و سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی نیز استفاده برابر افراد از خدمات و حمایت‌های حوزه

تأمین اجتماعی تأکید بسیار شده است. قانون ساختار نیز در ماده ۱در جهت اجرای اصل ۲۹ و همچنین بندهای ۲ و ۴ اصل بیست و یکم قانون اساسی در جهت ایجاد انسجام کلان سیاست‌های رفاهی به منظور توسعه عدالت اجتماعی و برای حمایت از همه افراد کشور، برقرار گردیده در بند الف ماده ۳ در اهداف و وظایف حوزه بیمه‌ای نیز گسترش نظام بیمه‌ای را برای آحاد جامعه لازم دانسته است.

در ماده ۹ در بحث اصول و سیاست‌های اقتصادی نیز خدمات نظام تأمین اجتماعی باید برای کلیه آحاد ملت تأمین و تضمین شود که برابری در حوزه تأمین اجتماعی را بیان می‌کند.

۴- اصل تضمین دولت

برای فهم اصل تضمین دولت در نظام تأمین اجتماعی مولفه‌ها و عوامل گوناگونی تأثیرگذار است که در این ارتباط می‌توان به نقش دولت در نظام تأمین اجتماعی، نوع نگاه دولت‌ها و نظام حاکمیتی، مبانی نظری، انواع دولت‌ها و میزان مداخله آنها در نظام تأمین اجتماعی و مفاهیم دیگری پرداخت که در این مقاله نمی‌گنجد.

اصل تضمین دولت را از سه منظر مفهوم عام و خاص تأمین اجتماعی، قرار گرفتن حقوق تأمین اجتماعی در بخش حقوق عمومی و محسوب نمودن وظایف تأمین اجتماعی جزء اعمال حاکمیت دولت‌ها بررسی خواهیم کرد.

تأمین اجتماعی به مفهوم عام این دولت است که مسئول ارائه حمایت‌های موضوع تأمین اجتماعی است. البته مقصود این است که دولت تکلیف کلی برقراری نظام تأمین اجتماعی را بر عهده دارد. در عمل شاید دولت به ندرت به صورت مستقیم اقدام به ارائه حمایت‌های تأمین اجتماعی کند و این کار را از طریق نهادهای بیمه‌ای، حمایتی، امدادی و ... به انجام می‌رساند. (نعیمی، پرتو، ۱۳۹۴: ۱۲) در بحث اصل تضمین دولت یک اصل حداقلی حمایت‌ها وجود دارد که تأمین کمینه امکانات لازم جهت تداوم زندگی شرافتمندانه را بر عهده دولت قرار می‌دهد. در تضمین دولت در مفهوم عام دولت تکلیف دارد تا به طور مستقیم و غیر مستقیم ارائه حمایت نماید و هزینه لازم را تأمین کند. در تأمین اجتماعی به مفهوم عام رسالت و هدف در آن اهداف مختلفی است از جمله مبارزه با فقر، ایجاد عدالت اقتصادی^۱ حفظ کرامت انسانی^۲ و ایجاد امنیت خاطر در دورانی که افراد جامعه به دلایلی قادر به کار نیستند و ... در زمره آن است. (همان: ۲۱)

^۱-Economic justice

^۲- human dignity

به تعبیری دیگر دولت به صرف دولت بودن مکلف است حمایت‌های تامین اجتماعی را برای آحاد جامعه فراهم نماید. مبنای تکلیف دولت به مفهوم عام نمایندگی وی از عموم و نیز در دست داشتن اموال عمومی است. در اصل ۲۹ قانون اساسی تکلیف دولت به ارائه حمایت‌های تامین اجتماعی منوط به هیچ شرطی نشده گو اینکه حمایت‌ها وظیفه ذاتی دولت است. تبصره ۱ ماده ۱ قانون ساختار نیز متضمن این معناست، در حالی که در مفهوم خاص دولت بیشتر نقش ناظر و حمایتی دارد. سیاست گذاری‌ها و قوانین بر عهده دولت است در عین حال تعهدات را نیز تضمین کند.

مفهوم خاص ابزاری است برای رسیدن و تحقق اهداف تامین اجتماعی به مفهوم عام. در مفهوم خاص حمایتی از بیمه پردازان و افراد تحت تکفل آنان در برابر خطرهایی چون پیری، از کار افتادگی، بیماری، مرگ در قالب یک نظام منسجم و قاعده مند به عمل می‌آید.

در مفهوم خاص دولت در تامین منابع مالی بخشی از منابع مالی را به عهده دارد و وظیفه بر عهده موسسات و صندوق‌های بیمه‌ای است. به این صورت که اصل تضمین دولت در مفهوم خاص از او سلب نمی‌شود بلکه چنانچه صندوقی به علت مشکلات مالی قادر به ایفای تعهدات خود نباشد دولت مکلف است با کمک مالی به صندوق نسبت به ارائه حمایت بیمه شدگان بپردازد. نمونه بارز و کامل آن بند ح ماده ۹ قانون ساختار «حقوق افراد عضو و تحت پوشش در قبال تعهدات قانونی سازمانها، موسسات و صندوق‌های بیمه‌ای این نظام تحت ضمانت دولت خواهد بود» و دولت مکلف است تمهیدات مالی، اعتباری و ساختاری لازم را در این زمینه اتخاذ نماید. نتیجتاً با پذیرش مفهوم عام و خاص تامین اجتماعی دولتها ضامن اجرای تعهدات تامین اجتماعی هستند. در مفهوم عام حقی است که برای ملت در برابر تکلیف دولت قرار دارد و در مفهوم خاص بر اساس شرایط بیمه پردازی حقی را بر سازمانها یا موسسات بیمه‌ای پیدا می‌کند. ملاک و تشخیص اصلی تشخیص حقوق عمومی از حقوق خصوصی موضوع اعمال یا حق حاکمیت دولت است (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۸۳) و با توجه به آنکه تامین اجتماعی در دوران ما به جزئی از اعمال حاکمیت تبدیل شده است بنابراین نه دولت می‌تواند با واگذاری وظایف خود به موسسات شانه از زیر بار این مسئولیت خالی کند و نه می‌تواند اداره برنامه‌های تامین اجتماعی را تابع ضوابط بخش بازرگانی اقتصاد کشور قرار دهد با این حال واگذاری تصدی امور مربوط به حقوق عمومی و وظایف حاکمیتی دولت به هر حال رافع مسئولیت نهایی دولت نمی‌گردد. (نصیری، ۱۳۸۲: ۱۴۷) مسئولیت دولت در اجرای برنامه‌های تامین اجتماعی مستقیم و بلا واسطه نیست لیکن در جمهوری اسلامی دولت به موجب اصل ۲۹ مکلف است خدمات و

حمایت‌های لازم را برای یک یک افراد کشور تامین کند. از لحاظ حقوقی این تعهد دولت به مقوله تعهد حصول نتیجه از طریق تدارک وسایل و موجباتی است که منجر به برقراری نظام جامع تامین اجتماعی گردد. (نصیری، ۱۳۸۲: ۱۷۶) از جنبه دیگر قواعد حاکم بر تامین اجتماعی عموماً جنبه نظم عمومی دارد و از جمله قواعد آمره^۱ به شمار می‌آید.

نتیجه‌گیری

در تمام اعمال، اقدامات و فعالیت‌هایی که در حوزه نظام رفاه و تامین اجتماعی شکل می‌گیرد اگر اساس و مبنای انجام این فعالیتها را به طور ریشه‌ای بررسی کنیم کلیه مراجع مربوطه تصمیم‌گیرنده، اجرایی و نظارتی باید در یک چهارچوب مشخص گام برداشته و هرگونه تخطی و تجاوز از این چهارچوب موجب خدشه در تصمیمات و نوعی نارضایتی در جامعه هدف و عدم موفقیت سیاست دولت و حاکمان خواهد بود. مدنظر قرار دادن حد و مرز در حوزه نظام رفاه و تامین اجتماعی سبب نظم در این حوزه و ایجاد حق برای اشخاص و افراد ذینفع می‌گردد و در بسیاری از موارد نیز استناد بر خروج از حد و مرز مشخص شده وادار به تجدید نظر و دقت در اعمال تصمیمات آینده می‌کند.

آنچه که مراجع تصمیم‌گیرنده را در مواقع اتخاذ تصمیمات بیشتر تحت تاثیر قرار می‌دهد اصول و مواد قانونی‌ای که بصورت نوشته و مکتوب وجود دارد - بصورت قاعده یا سند بعنوان مبنای تصمیمات قرار می‌گیرد- آسیب شناسی از منظر اصول حاکم ابزاری است برای تعیین انحراف و گریز از قوانین و حقوق موضوعه و در مقابل تضمینی است برای نشان دادن قانونی بودن اعمال و اقدامات حوزه رفاه و تامین اجتماعی که به بیانی ساده رعایت اصول کلی حقوقی قانونی بودن اعمال را تضمین می‌کند. نظام تامین اجتماعی ایران به لحاظ حقوقی و استخراج اصول حاکم در قانون اساسی، قوانین عادی و سایر قوانین جایگاه محکمی دارد و بالقوه یک نظام مطلوب و اثربخش و فاقد کاستی است لذا توجه نداشتن به این اصول در سیاستگذاری‌ها، مقررات گذاری‌ها و علی‌الخصوص حوزه اجرا و نظارت‌ها بعنوان آسیب‌های جدی و چالش اساسی وجود دارند. تعمیم حداقلی پوشش شهروندان با استناد به اصول و قوانین حوزه رفاهی و تامین اجتماعی و حمایت هدفمند قشر نیازمند و مورد استحقاق از یک طرف از سوی دولت و عدم وابستگی کامل این حوزه به دولت الگوی موفق در جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

^۱ - منظور از قواعد آمره قواعدی است که به طور مطلق الزام آور هستند و اراده افراد در برابر آن اثری ندارد.

منابع فارسی

کتاب

- استوار سنگری، کوروش (۱۳۸۷)، حقوق تامین اجتماعی، نشر میزان
- جعفرقلیخانی، ابوالفضل (۱۳۹۴)، قانونگذاری جمهوری اسلامی ایران در ترازوی حکمرانی خوب، نشر دانشگاه آزاد اسلامی
- سید عزت الله عراقی و همکاران (۱۳۸۶)، درآمدی بر حقوق تامین اجتماعی (نقد قانون تامین اجتماعی) براساس مطالعه تطبیقی، تهران، موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی، محسن (۱۳۸۴)، اصول حقوقی و جایگاه آن در حقوق موضوعه، تهران، انتشارات میزان
- عمران نعیمی و همکاران (۱۳۹۲)، قانون تامین اجتماعی در نظم حقوقی کنونی، انتشارات جنگل، جاودانه
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶)، مبانی حقوق عمومی چاپ سوم، نشر میزان
- (۱۳۸۸)، مقدمه علم حقوق، چاپ شصت و نهم، تهران، شرکت سهامی انتشار
- نصیری، مرتضی (۱۳۸۲)، مبانی حقوقی تامین اجتماعی در ایران، موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی
- هاشمی، سید محمد (۱۳۹۱)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، چاپ چهاردهم نشر میزان

مقالات

- عراقی، سید عزت الله (۱۳۸۴)، حقوق تامین اجتماعی، حقوق کار و حقوق بین‌المللی کار، مجموعه مقالات همایش تبیین جایگاه حقوق تامین اجتماعی پاییز
- قاسمی، محسن (۱۳۸۶)، کلیاتی راجع به حقوق تامین اجتماعی، فصلنامه قوانین و مقررات تامین اجتماعی شماره هفتم تابستان
- (۱۳۸۸)، نقد رای وحدت رویه شماره ۱۳۷، مورخ ۷۹/۴/۵ هیات عمومی دیوان عدالت اداری، فصلنامه داخلی قوانین و مقررات تامین اجتماعی، سال سوم، شماره ششم، بهار